

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۳ اپریل ۲۰۲۰

## چرائی مخالفت های "شاه حسین مرتضوی" صرف با ایران!

۱

چهارشنبه - ۰۳ ثور ۱۳۹۹ - کابل: بعد از آمدن "محمد ابراهیم طاهریان" نماینده رژیم "ولایت فقیه" به افغانستان و ملاقات های گسترده با افراد درجه یک دست اندر کار سیاست در امور کشور از "غنی احمدزی" گرفته تا "عبدالله عبدالمود" و از "حمدالله محب" گرفته تا "حنیف اتمر، خلیلی، محقق، سیاف، کرزی و ..." و صحبت های صریح و آشکار به ارتباط حل معضل برخاسته از نتایج انتخابات و به اساس گفته های رسانه ها هر دو طرف را به تشکیل حکومت فراگیر دعوت کردن، باز هم "شاه حسین مرتضوی" که مقام و منصب "مشاور رئیس جمهوری" را نیز با خود دارد، از طریق "فیسبوک" موجودیت و زنده بودنش را اعلام داشته، با کنایه نسبت به ایران و رژیم "ولایت فقیه" طعنه زد که اگر تشکیل حکومت فراگیر، راه حل بحران بود، چرا آنها خود با "موسوی" و "کروبی" حکومت مشترک نساختند. در یادداشت امروز مکث کوتاهی داریم در همین زمینه:

۱- به مثابه ابراز حسن نیت با "شاه حسین مرتضوی" - هر چند لیاقتش را ندارد- می خواستم موضعگیری امروزش را برخاسته از عرق ملی - چیزی که اصلاً ندارد ورنه در خدمت دولت پوشالی محصول اشغال قرار نمی گرفت- وی اعلام بدارم، مگر مشکلی که جهت اعلام چنین موضعی عرض اندام می نماید، سکوت "شاه حسین مرتضوی" در قبال مداخلات سایر کشور هاست. یعنی زمانی که روسها از دولت دست نشاندگی می خواهند که حکومت فراگیر تشکیل دهند، "شاه حسین" زبانش را قورت می نماید، زمانی که اتحادیه اروپا با تمام عرض و طولش به علاوه دخالت در امور افغانستان حتا به خود حق می دهد تا با گفتن "مأیوس شدن از مقامات افغان" غیر مستقیم مردم را از آنها ناامید ساخته دعوت به قیام نماید، باز هم "شاه حسین" اصلاً به رخ خود نمی آورد چنان که گوئی اصلاً گوش ندارد، از همه بالاتر زمانی که وزیر خارجه امریکا عین مطالب را با ادبیات موهنی ابراز می دارد و به مانند یک معلم منضبط، شاگردان خاطی اش را با تعلیق یک میلیارد دالر کمک تنبیه می نماید، باز هم "شاه حسین" زبان ندارد، به همین سان در مقابل آمد و رفت های "کرزی، سیاف، خلیلی، قانونی و .." و دیدار آنها با هر دو طرف منازعه یعنی دو وطنفروش خیره سر و سفاک "غنی احمدزی" و "عبدالمود"، نه چشم دیدن دارد، نه زبان انتقاد و نه هم جرأت ابراز عقیده. از همین رو به خود حق نمی دهم تا این حرکت "شاه حسین" را برخاسته از عرق ملی در وی بدانم. زیرا اگر چنان می بود مطمئناً به ارتباط دخالت های دیگران نیز عرض و جود می نمود.

در همین رابطه فقط در یک صورت می توان دلیل سکوت مقابل دیگران و زبان باز کردن علیه ایران را فهمید و آنهم می تواند متکی به اعتقاد "شاه حسین" در به رسمیت شناختن حق مداخله دیگران در امور افغانستان به مثابه مستعمره آنها و قایل نشدن چنین حقی برای ایران می باشد.

۲- "شاه حسین مرتضوی" به مثابه فردی که همین اکنون مقام رسمی در دولت دست نشانده دارد و از حقوق، نام، معاش و بقیه امتیازات اعطائی شخص "غنی احمدزی" برخوردار است، وقتی دیدار های "محمد ابراهیم طاهریان" را مورد انتقاد قرار می دهد و با طعنه می خواهد به وی بفهماند که پایش را در قضیه داخل نسازد، از آنجائی که دیدار و ملاقات با افراد و صحبت با آنها شامل دوطرف می شود یعنی به مانند گلگشت بهاری نیست که فردی سر به صحرا زده، با طبیعت خلوت نماید، انتقاد از "طاهریان" در واقع انتقاد از طرف مقابل نیز می باشد.

به مفهوم دیگر انتقاد از دیدار های "طاهریان" چیزی به جز "تف سربالا" معنا نمی دهد. زیرا در طرف دیگر "طاهریان" افرادی چون "غنی احمدزی"، "محب" و "اثر" نیز وجود دارند که همین اکنون "شاه حسین مرتضوی" با مدفوع آنها روزه افطار می کند، در نتیجه هرگاه "طاهریان" کار غلطی کرده، چرا خدایان و بادران "شاه حسین" با آنها دیدار نموده است؟ آیا این بهتر نبود تا "شاه حسین" به جای این که با "تف سربالا" رخسار خود را آلوده سازد، از اول به آنها مشوره نمی داد تا به چنین ملاقاتی تن دهند؟ و بگذارند که ننگ اجازه مداخله دادن به اجانب تنها بر دامن ناپاک طرف مقابل شان لکه های بیشتری بیافریند؟

ادامه دارد